

❖ فهرست ❖

۱۴	باز هم
۱۶	پنجره
۱۸	زندگی یعنی
۲۰	جهان زیبا
۲۲	آرزوی من
۲۴	باز نخواهم گشت
۲۶	مادر
۲۸	تضاد
۳۰	صدای پای پاییز می آید
۳۲	مرگ: غیرقابل گریز
۳۴	احساسات
۳۶	جنگ چرا؟
۳۸	طبیعت
۴۰	نخواهم گریست
۴۲	نگو خدانگهدار
۴۴	تکرار
۴۶	سنگ قبر
۴۸	معنای تنهایی
۵۰	برو
۵۲	خستگی
۵۴	منشا
۵۶	شعر و شاعر
۵۸	سبکی
۶۰	دستانش
۶۲	اتاقم
۶۴	تنهایی
۶۶	جاده
۶۸	جدای: تلح
۷۰	اشک
۷۲	زیبایی
۷۴	بلران
۷۶	می دانی؟
۷۸	قادصدک
۸۰	الهه
۸۲	خدانگهدار



Contents

Again	15
Window	17
Life is	19
A beautiful world	21
My wish	23
I won't come back	25
Mother	27
Conflict	29
The sound of fall steps heard	31
Death: inevitable	33
Sensations	35
Why fight?	37
Nature	39
I won't cry	41
Don't say goodbye	43
Routine	45
Tombstone	47
What does loneliness mean?	49
Go	51
Tiredness	53
Source	55
Poem and poet	57
Lightness	59
Her hand	61
My room	63
Loneliness	65
Road	67
Divorce: bitterness	69
Tears	71
Wow! Beauty	73
Rain	75
Do you know?	77
Dandelion	79
Angel	81
Goodbye	83



بازهم

باز و

باز

و باز هم

نهایی،

خدا و من

نهایی،

اشک و دلتنگی

و باز هم من بدون "تو"

Again

Again and
Again
And again
Loneliness
And
God
And me

Loneliness
And
Tears
And Loss

And again
I am without" you"

پنجره

هر روز صبح متولد می شوم
 پنجره ای در اتاقم
 می توانم ازدحام خیابان را بنگرم
 از پنجره ای اتاقم چشمان طفلی را مملو از غبطه،
 انسان های مغدور سوار بر ماشین های مدرن
 اشک چشمان یتیمی را که از مادر چیزی می خواهد اما... میبینم
 در ازدحام خیابان افرادی که شتابان به سمت محل کار می روند
 جیب بری و پیر زنی را در حال گدایی
 افرادی که فقط به فکر پول و جیبها یشان هستند
 افرادی که چهره شان مملو از خستگی، غم، اضطراب است

روز دیگر باز هم متولد می شوم
 باز از پنجره اتاقم بیرون را می نگرم
 اما این بار آسمانی آبی و صاف
 خورشید درخشان طلایی که از پشت کوه ها طلوع می کند
 پرستوهای کوچک مهاجر در حال پرواز
 درختان شکوفا و غنچه ای گلها
 ابرهای رقصان و تمام زیبایی های طبیعت را میبینم.

هر روز متولد می شوم با تمام زشتی ها یی که خالق آن انسان ها
 و با تمام زیبایی های طبیعت که خالق آن خداست.
 فقط گاهی و تنها گاهی،
 حس می کنم جهان در آن سوی پنجره اتاقم
 تا چه اندازه زیباست

Window

I was born every morning
I have a window in my room
And I can see the crowded street through it
I see through my window babies eyes that is teem with begrudge
I see chic cars, holding proud people
I see people who are wearing no clothes and many chic clothes that
worn by no one
I see tears of orphans who want something from his mother but.....
I see crowded streets with many people who are in harsh to get to
work
I see a pickpocket stealing and an old woman begging
I see a lot of persons who just think about money and their pockets
People whose faces are teem with exhaustion, sadness and
disturbance

Another day I am born again and look out of my window but this
time I see the clear blue sky
I see shiny golden sun that rises behind the mountains
I see a migrating little swallow, flying
I see blossoming trees and budding flowers
I see dancing clouds and all beauties of nature

I am born every day with all these ugliness's that human create
And with all these beauties in the nature that God created

So just sometimes I do feel and think that the world is so beautiful in
the other side of my window